

بقلم فؤاد عینتابی

ترجمه سیدحسین بدلا

## عالم رو بترقی یا انحطاط است ؟

ممکن است در نظر عده این سؤال کودکانه باشد زیرا هر کس با وضاع عالم نگاه کند در نظر اول خواهد گفت که دنیا قدم‌های بلندی رو بترقی و تمدن بر میدارد ولی با نظر دقت و تأمل در این عقیده تردید پیدا میشود که آیا براستی دنیا رو بترقی است یا پستی ؟

اگر بخواهیم حقیقت این معنی را بدست آوریم باید قدری از حیات مادی پارا بالاتر گذاریم و از ظاهر این اختراعات و صنایع صرف نظر کنیم و بدانیم که عالم باین رنگ آمیزیه‌ها و ظاهر سازیها اصلاح نخواهد شد. بلکه تمدن واقعی آنست که با اخلاق نیک و کردار پسندیده همراه باشد. کسی که دارای ملیونها ثروت باشد و دارای اخلاق پسندیده نباشد مانند همان بیمار ثروتمندی است که هیچ نتواند از ثروت خود استفاده نماید. خوشبختی آدمی باین است که زندگی خود را با شادی و نشاط بگذراند. کسی که نسبت بهمه چیز دنیا بدین است و عمر خود را بناله و شکایت از خدا و فلک و طبیعت میگذراند هیچ ثروت و صنعت و اختراعی نمیتواند او را خوشبخت کند.

افراد جامعه حکم رشته زنجیر را دارد که همه یکدیگر پیوسته است و اگر در یکی از آنها تزلزلی پیدا شود تمام آن رشته متزلزل گردد. آنچه چیزی که هر فردی را بانجام و وظیفه و ادار میکند همان خوی نیک است پس ترقی عالم تنها به پیش رفت کارهای مادی و ترقی علم و اختراع نیست بلکه اساس نظام، حیات روحی و ادبی است. وقتی سیل مادیت ریشه اخلاق را بر انداخت آن وقت است که نظام اجتماع

در خطر بزرگی واقع خواهد شد

مورخ و فیلسوف ایتالی (فریرو) تشبیه میکند حالت کنونی عالم را با امپراطوری قرن دوم میلادی میگوید: همان طور که معایب و ردائل کار امپراطوری روم را بجائی رسانید که وحشیان بر او مسلط شدند دنیای غرب امروز هم همان حال را دارد با این فرق که در زمان امپراطوری دشمنان از خارج بود. اما دشمنان ما داخلی است و آن خارهای جان کنزائی است که میوه مادیت و تمدن است که بزرگان علمای غرب را بنگران ساخته و برای بر انداختن آن بر خواسته اند و مردم را بوسیله خطابه ها و انتشارات بعواقب وخیم آن آگاه میکنند. مجله مصوراخبار لندن مقاله در تحت همین عنوان بقلم فریرو و فیلسوف بزرگ ایتالی منتشر نموده. در این مقاله ظاهر سازی فعلی عالم را دلامت نموده و از خطر بزرگ آن برای جامعه اظهار وحشت میکند میگوید زیادی ثروت و علم و قدرت وقتی که سبب انتشار ردائل و فساد اخلاق باشد چه ارزشی برای بشر دارد. این ترقیات مادی تا هنگامیکه با ترقی ادبی و اخلاقی همراه نباشد جز ضرر نتیجه ندارد در اینجا جای سؤال است که آیا انسان از جهت اخلاق در زمان گذشته بهتر بوده یا در این زمان؟ جواب این سؤال را نمیتوان مقرون بحقیقت نیاف کرد زیرا این جواب را ناچار باید از روی تاریخ بدست آورد. و تاریخ نماینده حقیقی حالات اشخاص نیست زیرا همیشه از احوال مردم معروف طبقه اول گفتگو میکند آنهم نه از روی حقیقت بلکه غالباً مراعات رضایت خواطر آنها را مینماید تصدیق میکنم که تاریخ گذشتگان یراست از فجایع و کارهایی که بجز از قلب با قساوت ناشی نشده لیکن در این زمان هم کارهایی

کتابخانه فضیلت

کرده میشود که کمتر از کارهای گذشتگان نیست ولی روی این کارها برده خوش ظاهری کشیده شده که مانع از این است که حقیقت او نمودار شود. تصدیق میکنم که این زمان جدو جهد و سعی و عمل زیاد شده اما فضائل اخلاقی روز بروز کم شده بلکه نزدیک است نابود شود

فریرو گوید: اگر ما بخواهیم حکم کنیم که عالم رو بترقی یا انحطاط است باید از حالات مردمان گذشته بدست آوریم و آنهم برای ما ممکن نیست گرچه آثار مکتشفه هر روز پرده از تاریخ گذشتگان بر میدارد ولی فضائل و رذائل آنها هنوز بر ما پوشیداست و تاریخ هم از حال طبقه متوسطه و طبقه سوم هرگز گفتگو نمیکند بلکه بحث آنها از احوال سلاطین و امراست پس چگونه میتوان روحیات طوائف و قبائل را بدست آورد (با همه اینها از خلال تاریخ میتوان روحیات هر عصری را بدست آوریم - م)

کسی که بخواهد اصل و منشاء اخلاق فاسده را بدست آورد بدون شبهه در بیکاری پیدا میکند. تنگدستی، نادانی، بندگی، طمع، سستی، و هزاران کردارهای زشت را از بیکاری باید دانست و در حقیقه میتوان بیکار را ام الفساد نامید - وقتی که ما بمفاسد بیکاری پی بردیم آنوقت میدانیم چه خطر بزرگی بعالم متوجه شده برای اینکه هر روز اختراعی تازه پیدا میشود و هر اختراعی مردم بسیاری را بیکار میکند پس با کم شدن کار و زیاد شدن نسل بشر کار عالم بکجا خواهد کشید ۱۹

بهر نقطه عالم که بنگریم ملیونها نفوس بیکار می بینیم که کار برای آنها پیدا نمیشود و فریادشان از بیکاری و گرسنگی بلند است

و دولت یا جمعیت های خیریه مجبور است که با آنها کمک کنند .  
 در روسیه هفت ملیون جوان های بیکار در شهرها و دور کوچه ها و در  
 قراء و قصبات میگردند و اینها بقیه کسانی هستند که در جنگ عالم گیر  
 پدرهای آنان کشته شده و زندگانی آنها منحصر است باینکه زیر آسمان  
 بخوابند و از گیاه بیابان بخورند . این حال تمدن این زمان است آیا  
 آینده آنها چه خواهد بود ؟ آیا باین حال میتوان گفت دنیا رو  
 بترقی است ؟ !

در اینجا باید فرق شرق و غرب را ذکر کنیم در غرب کار می  
 خواهند و پیدا نمیشود و در شرق اگر کسی بیکار باشد برای این است  
 که دنبال کار نمیرود

با این حال نمیدانم خوانندگان برای این سوال ( که عالم رو  
 بترقی یا انحطاط است ) چه جوابی دارند ؟ اگر کسی بخواهد جواب  
 بدهد باید اول کلام فریر و را در نظر بگیرد که میگوید ( بزرگترین  
 چیزیکه پیشرفت جهان و ترقی عالم باو بسته است اخلاق پسندیده است

### صرع و جنون و جن

هر يك از شما خوانندگان در کوچه و بازار بسیار دیده اید  
 که کسی افتاده و اعضاء او مانند چوب خشک شده و باصطلاح بحالت  
 تشنج درآمده و زبانش از دهان بیرون آمده و با دندان میگذرد و پاره  
 میکند و کف آمیخته بخون از دهانش بیرون آید سر را بلند کرده و دوباره  
 بشدت بر زمین میزند گاهی از راست میلرزد و گاهی از چپ چشمها  
 در دوران و دست و پا جمع و حرکات غیر منتظم از او صادر شود خلاصه  
 بحالت مهیب و وحشت انگیزی درآمده - این حال برونی اوست که